

به نام خدا



گزارش میزگرد تخصصی نقش استاد در یادگیری الکترونیکی

تاریخ برگزاری: ۱۳۹۲/۲/۹

مکان: مؤسسه آموزش عالی مهر البرز

تدوین: صهبا رضائیان

اردیبهشت ۱۳۹۲

۱- مقدمه

همزمان با هفته نکوداشت مقام معلم، اولین میزگرد تخصصی انجمن یادگیری الکترونیکی ایران (یادا) با موضوع «نقش استاد در یادگیری الکترونیکی» با حضور استادان صاحب‌نظر این حوزه: آقایان دکتر عباس بازرگان، دکتر مقصود فراستخواه و دکتر رحیم عبادی در مؤسسه مهر البرز برگزار گردید. شایان ذکر است این میزگرد به شکل وینار نیز برگزار گردید و آقای دکتر بازرگان از طریق شبکه در میزگرد حضور داشتند. تعداد شرکت‌کنندگان حضوری در جلسه، پانزده نفر و تعداد شرکت‌کنندگان شبکه‌ای هم شش نفر بود. گزارش حاضر به معرفی کلیات مباحث ارائه شده در این میزگرد می‌پردازد.

۲- سخنران اول: آقای دکتر عبادی

میزگرد در ساعت ۱۷:۱۵ با سخنرانی آقای دکتر رحیم عبادی، قائم مقام مؤسسه مهر البرز آغاز گردید. ایشان پس از خوش‌آمدگویی به حضار و تشکر از سخنرانان، با مباحثی در گرامی‌داشت هفته معلم، بیان کردند نام معلم و استاد در تاریخ همواره با آگاهی و روشنایی همراه بوده و شعارهای سربلندی و عزت‌مندی مردم را فراهم کرده است. بنابراین ایشان وظیفه تک تک ما دانستند تا قدرتان افرادی باشیم که دریچه‌های معرفت و آگاهی را به رویمان باز کردند.

علاوه بر این ایشان موضوع نشست را محوریت نقش معلم در فضای مجازی و توجه به تحولات در حال شکل‌گیری در جامعه دانستند. بنا بر اظهارات ایشان، فرایند یادگیری-یاددهی، دریچه‌های جدیدی به نام دنیای مجازی را باز می‌کند و یادگیری الکترونیکی از انحصار نهادهای رسمی به تدریج خارج می‌شود. همه افراد جامعه بخشی از فرایند یادگیری هستند و آموزش الکترونیکی پرچمدار این تحول است.

ایشان خاطرنشان کردند امروزه دانشگاه مجازی، از آرمان به واقعیت پیوسته و مؤسسه مهر البرز که تاکنون ۲۰۰ دانش‌آموخته داشته، نمونه خوبی از دانشگاه‌های پیشرو در یادگیری الکترونیکی است. این مؤسسه کار خود را در سال ۱۳۸۲ با ۱۲ دانشجو آغاز کرد و اینک در صدد است تا سال آینده، پذیرای دانشجویان در مقطع دکتری باشد. در بدو امر، به دلیل تصور حذف استاد در این نظام، با مقاومت‌هایی از سوی استادان روبه‌رو بود. اما اکنون، این اندیشه جا افتاده که تغییر نقش صورت می‌گیرد و مسؤلیت یادگیری به یادگیرنده واگذار می‌گردد.

از دیگر ویژگیهای بارز مؤسسه مهر البرز، در کنار هم داشتن دو نسل از استادان است؛ از طرفی استادان گرانقدری مانند آقای دکتر بازرگان و آقای دکتر ابیلی و از طرف دیگر دانشجویان موفق نظام آموزش رسمی یا دانش‌آموختگان دوره‌های یادگیری الکترونیکی است و در واقع یادگیری الکترونیکی بستری شده است که در آن استادان بلندنظر، باتجربه و پیشگام و پیشرو در امر تدریس و یادگیری در مؤسسه حضور دارند و در کنار آنان، جوانانی علاقه‌مندی که از توانمندی‌های خود بیشتر استفاده می‌کنند، قرار دارند. ایشان افزودند این مؤسسه امکان تدریس استادانی از خارج از ایران، مانند دکتر صراف‌زاده از نیوزیلند و یا استادان دیگری از آمریکا و انگلیس را فراهم نموده است. همچنین خاطرنشان کردند که نقش استاد، نه تنها حذف نشده بلکه یادگیری الکترونیکی، حضور مؤثرتر استاد را می‌طلبد.

۳- سخنران دوم: آقای دکتر فراستخواه

آقای دکتر مقصود فراستخواه، عضو هیئت عملی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، فرارسیدن روز معلم را به همه معلمان و آموزگاران تبریک گفتند و اضافه کردند روز معلم روز علم آموزی است و علم‌آموزی خجسته و پرثمر را برای همگان آرزو کردند و «استاد و مسئله تحول نقش در اکولوژی یاددهی-یادگیری» را موضوع بحث خود عنوان کردند. دکتر فراستخواه، حدیثی را به این مضمون مطرح کردند که «فرشتگان بال‌های خود را برای جویندگان دانش می‌گشایند» و سپس افزودند می‌توان

یادگیری الکترونیکی را مرتبط با این حدیث دانست، به این صورت که یادگیری الکترونیکی که اجتماعی شبکه‌ای است فرشته‌گون عمل می‌کند و به این ترتیب، محیط فناوری اطلاعات تبدیل به محیط فرصت می‌شود نه تهدید. در ادامه، به این سؤال پرداختند که انقلاب الکترونیکی، برخط شدن چه نسبتی با آموزش سنتی دارد؟ در پاسخ، سه پارادایم (سرمشق) زیر را برشمردند:

۱. ابزار دست (کلارک، ۱۹۹۰): فناوری جدید ابزار دست آموزش‌های سنتی است.
۲. بدیل یا جایگزین (دراکر، ۱۹۹۷): یادگیری برخط (سیستم‌های مجازی)، بدیل (جایگزین) آموزش سنتی است
۳. دگرگونی: تحولات دگرگون‌ساز است بلکه اصولاً رویدادی دگرگون‌ساز است.

در میان این سه سرمشق، ایشان، دگرگون‌ساز بودن را موجه تر شناخته و به تشریح این مورد پرداختند. در مورد لزوم صحبت از تحول در زیست‌بوم یاددهی-یادگیری، به نکاتی مانند تحول در یادگیرندگان، گفتمان، نهادهای اجتماعی، روابط، مناسبات، ساختار و فرهنگ، اشیا و ابزارها، و مکان و محل اشاره کردند. در توضیح موارد متحول شده در این زیست‌بوم، نکات زیر قابل توجه است:

۱. مکان چرخشی (Circulation) است تا روانه! امروز، دیگر، مکان، جا، (Location یا Place) نیست بلکه یک دورنما و افق است.
۲. به تعبیر لپارد: مکان، سیال و چندمرکزی است به این معنی که مرکز مشخصی ندارد نه جهانی (global) است و نه محلی (local)، بلکه «جهانی-محلی» است.
۳. امر واقع در تحول است: واقعیت به «واقعیت مجازی» تبدیل شده است
۴. سرشت ارتباطات دگرگون شده و مرگ فاصله‌ها را در پی داشته است
۵. سازمان کار و خدمات متحول می‌شوند.
۶. یادگیری-یاددهی، در این زیست‌بوم، به معنی یادگیری-یاددهی در شبکه‌ای نامتجانس است و ارتباطات را به اشکال مختلفی مانند انسان-انسان، انسان-اشیا، اشیا-اشیا، انسان-اشیا-انسان متصور شدند.
۷. انتقال قدرت: ماهیت قدرت دگرگون شده است (دیدگاه تافلر).
۸. مفهوم سرمایه به سرمایه فکری و سرمایه انسانی تغییر کرده است.
۹. متن وجود ندارد بلکه ابرمتن (meta-text) وجود دارد
۱۰. مفهوم مخاطب به «ابرمخاطب» (Super-addressee) تغییر یافته است.

یکی از ویژگی‌های این دوران، دگرگونی عمیق زیست‌بوم یادگیری-یاددهی است که بر موارد زیر تأکید دارد:

۱. مجازی شدن: فرایند مجازی شدن به صورت فرایندی فراگیر رخ می‌دهد،
۲. کالایی شدن خدمات یاددهی-یادگیری،
۳. محیط از پیش طراحی شده و تسهیل شده (سگویی)،
۴. غیرحضوری یا کمتر حضوری شدن یاددهی-یادگیری،
۵. تعاملی شدن، تعاملات چند سطحی و چندگانه معلم، فراگیر، و محیط، قابلیت تسهیم و شراکتی شدن،
۶. افزایش نقش اشیا: «معمای اشیا»،

۷. تنوع صورت و محتوا: دانش در جعبه سیاه ذهن معلم نیست!
 ۸. قابلیت تحرک و جابجایی (m-learning) و مرورگری بالا،
 ۹. افزایش ابعاد فناوریانه و فناوری،
 ۱۰. افزایش وجوه هنری و نمایشی (ارائه مهم تر شده و شکل مهم تر از محتوا...)
 ۱۱. افزایش کارکردهای سرگرمی و بازی گونه،
 ۱۲. افزایش قابلیت سطح انتزاع و صورخیال (Abstraction)،
 ۱۳. افزایش درجه آزادی و افق انتخابها،
 ۱۴. انبوهگی (Massification)،
 ۱۵. قابلیت های تولید و توزیع بالا، تجدیدشونده و تکرارشونده،
 ۱۶. میان رشته ای شدن (Interdisciplinary)، افقیت، مسطحیت، مشارکت،
 ۱۷. چندآوایی و میان ذهنی، (Inter-subjectivity)
 ۱۸. چندتکه ای شدن و بینامتنی شدن،
 ۱۹. جهانی و در همان حال محلی،
 ۲۰. چندفرهنگی، ناطمینانی،
 ۲۱. موانع فنی مانند قطع اتصال یا مسئله قابلیت اعتماد، مخاطره پذیری، ویروس ها و بدافزارها،
 ۲۲. مهارت بری نه فقط دانش بری (به عنوان مثال، اگر استادی، مهارت سواد اطلاعاتی را نداشته باشد، کارایی چندانی نخواهد داشت)،
 ۲۳. دست زیادشدگی، درهم آمیختن سره و ناسره/ صدف و خزف،
 ۲۴. وب دوم و سوم و هوشمندشدگی.
- در ادامه ایشان به پدیده زندگی دوم (second life) اشاره کردند که در آن فضای مجازی، عنوان زندگی دوم را فراهم آورده است که افراد از طریق عضویت در آن هویتی مجازی برای خود می سازند. شهر، خیابان، نهادها، تأسیسات، هنجارها، قوانین و آدمها وجود دارند و افراد می توانند از طریق رابط های زندگی جدید را تجربه کنند. از جمله این کارها می توان مراجعه به کتابخانه و یا یاددهی و یادگیری در مؤسسات آموزش عالی باشد و در نهایت اشاره کردند:
- محیط یادگیری و یاددهی در حال دگرگونی اکولوژیک است. وقتی تغییرات بزرگ اکولوژیک ایجاد می شود، ابتدا موجودیتها دچار بحران می شوند چون نمی توانند با تغییرات جدید، سازگار شوند و خلاقیت لازم را داشته باشند و این را با نظریه تکامل (Evolutionary Theory) می توان توضیح داد: بر اساس این نظریه، فقط گونه هایی از هیئت علمی و استادان از این تحول اکولوژیک عبور موفقیت آمیز دارند که تغییر و تحول خلاق و سازگاری فعال داشته باشند. در جمع بندی می توان گفت: یادگیری الکترونیکی به سه صورت با آموزش سنتی مرتبط است:
- ✓ به عنوان ابزار دست: مهارت آموزی و دانش افزایی
 - ✓ به عنوان بدیل و جایگزینی: تقسیم کار و تعریف گروه متفاوتی از استادان (آموزش الکترونیکی در کنار آموزش

ستی)

✓ به عنوان دگرگونی پارادایمی و اکولوژیک: در کی نوپدید از رشد و بالندگی هیئت علمی: تحول نه تنها در دانش و مهارتها و توانایی های ابزاری بلکه تحول در نوع نگاه، عادتواره ها، سبک کار علمی، قابلیت های ارتباطی، خلاقیت و نوآوری لازم می باشد.

۴- سخنران سوم: آقای دکتر بازرگان

در ادامه، دکتر عباس بازرگان، استاد دانشگاه تهران، به بحث «نقش پداگوژیک مدرس در یادگیری الکترونیکی» پرداختند و اشاره کردند کاربرد فناوری اطلاعات در خدمات اداری-الکترونیکی بیشتر از امور آموزشی مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به گزارش یک پژوهش بین المللی در سال ۲۰۰۵ که در کتاب *Where do we stand in higher education?* توسط OECD منتشر شده، ایشان اظهار تأسف کردند که با وجود دو-سه دهه از شروع یادگیری الکترونیکی هنوز در دنیا، ارتباط بین پداگوژی و فناوری مشخص نشده است. بدین منظور ایشان در ابتدای مباحث خود، تعریفی از پداگوژی و پداگوگ ارائه دادند:

پداگوژی را می توان «علم و هنر یاددهی-یادگیری» دانست. ایشان افزودند مفهوم یادگیری در سال های اخیر از رفتارگرایی به سازاگرایی اجتماعی متحول شده است.

در یادگیری الکترونیکی، مدرسی موفق است که پداگوگ باشد یعنی فردی که با یادگیرنده در سازماندهی یادگیری با گذار از شناخته به ناشناخته و از ملموس به انتزاعی در ساختن دانش همراهی و همیاری می کند. اصلی ترین وظایف جایگاه پداگوگ در یاری رسانی به کیفیت یادگیری به شرح زیر است:

۱. متعهد به آگاهی از موقعیت مسئله در بستر زمان و مکان،
۲. تعامل برقرار کردن با یادگیرنده درباره موقعیت مسئله،
۳. همیاری با یادگیرنده در آزمودن موقعیت مسئله،
۴. تأمل به اتفاق یادگیرنده درباره شناخت موقعیت مسئله،
۵. کمک به یادگیرنده جهت یادگیرنده مداوم شدن.

با توجه به نکات فوق، آشنایی و توانایی کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات از ویژگی های ضروری مدرس یادگیری الکترونیکی است. ملاحظاتی مانند کم توانی در برقراری ارتباط با دانشجو در یادگیری الکترونیکی، تأثیرات منفی بیشتری دارد. علاوه بر این:

۱. پداگوگ باید به توانایی یادگیری دانشجویان باور داشته باشد و معتقد باشد همه می توانند یاد بگیرند به شرطی که وقت، انگیزه و تلاش کافی را داشته باشند. از این رو لازم است مدرس نیاز دانشجو را شناسایی کند.
۲. پداگوگ باید هدف های یادگیری را با مشارکت دانشجو مشخص کند و بر آن پایه طرح درس را عرضه کند.

از ویژگی های طرح درس، می توان به نکاتی مانند گذر از شناخته به ناشناخته، چگونگی کار مشترک، ترغیب دانشجو در انجام عملی مشترک از طریق فضای مجازی، عرضه مطالب به دانشجو در فضای مجازی، بازخورد در زمان لازم، مشخص کردن مهلت زمانی عرضه تکلیف ها، فراهم آوردن شرایط انجام تکلیف های چالش گرا و قدردانی از تلاش وی، امکان دادن به دانشجو برای اندیشیدن جمعی اشاره کرد.

۳. لازم است تجربیات یادگیری در کوتاهترین زمان ممکن، به یادگیرنده بازخورد داده شود و این یکی از مهمترین نکاتی

است که نباید غفلت شود.

۴. این نکته مهم است که تا چه اندازه، معلم نسبت به یادگیری دانشجو دلسوزی می‌کند و به وی اهمیت می‌دهد (انتظارات را برای حفظ معیارها کاهش نمی‌دهد).

۵. در تالار گفتگو، همه موارد طرح درس گنجانده شود تا بتوانند دانشجویان تعامل کنند و آنها را تجربه کنند تا بتوانند تأمل کنند.

۶. متعهد به امر یادگیری دانشجویان باشد و به عبارتی خود را وقف یادگیری الکترونیکی کند.

۷. مدرس، خود را یادگیرنده مداوم قلمداد کرده و به عنوان همیار در کنار دانشجو باشد.

۸. از رویکرد دانشجو-محور استفاده کند و به تک تک دانشجویان توجه کند.

۹. تماس دانشجو با مدرس یا دستیار از اهم نکات قابل توجه است.

۱۰. نسبت به کاربرد مورد تدریس در زندگی واقعی دانشجو کوشا باشد.

۱۱. نسبت به گفته و کردار خود متعهد باشد.

۱۲. در ضمن تعامل به ترغیب دانشجویان بپردازد (شبکه یادگیری به وجود آورند).

۱۳. مسؤلیت یادگیری دانشجویان را به آنان محول کند.

۱۴. منابع یادگیری را متعدد قرار دهد.

۱۵. ارزیابی مستمر از آموخته‌ها داشته باشد و با داده‌های مختلف، به تثبیت لحظات یادگیری بپردازد.

و در جمع‌بندی مباحث، بیان کردند که مدرس یادگیری الکترونیکی باید نوآوری در تدریس را پیشه کند، باید بتواند مدیریت زمان و خلاقیت در فرایند یاددهی-یادگیری داشته باشد. علاوه بر این، از طریق عرضه مواد و مطالب درسی منظم که بتوان به سهولت درباره آنها به کاوشگری پرداخت، و دانشجویان را به حوزه درسی علاقه مند کند.

پس از ایراد سخنان متخصصان، سؤال‌هایی از سوی شرکت کنندگان مطرح شد که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

پرسش ۱: با توجه به ایجاد زندگی دوم، و وجود نمادهای غیرایرانی در آن که ممکن است غیر از سنت‌های رایج ما باشد، چه راهکاری برای ایجاد محیط جدیدی با توجه به پیشینه قوی تعلیم و تربیتی که در ایران داریم، تعریف کنیم و چگونه می‌توان در موج زندگی دوم، تحول آفرین بود؟

دکتر فراستخواه: اگر ما سیستم‌هایی خودسازمان‌ده (self-organizing system) باشیم یعنی بتوانیم مانند موجود زنده، هوشمندانه با محیط تعامل داشته باشیم و برای رشد و تعالی خود از امکاناتی که آن سیستم فراهم می‌کند، انتخاب کنیم، می‌توان موفق بود. در سیستم‌های آموزشی، به همین ترتیب است که دانشگاه‌های ما و نظام آموزش عالی ما، از آن ظرفیت‌های لازم فکری و سیاست‌سازی و اندیشه‌ای برخوردار باشند و برای مشارکت نخبگان، متفکران و منتقدان و اعضای هیئت علمی امکاناتی فراهم آورند به این منظور که بتوانند با این محیط جدید، هوشمندانه و خلاق ضمن بررسی جنبه‌های مختلف این محیط، تطابق یابند و هم‌بافت و بستر فرهنگی خود را بتوانند در این محیط پیاده‌سازی کنند. واقعیت این است که نمی‌توان به صورت کورکورانه و انفعالی با این محیط ارتباط برقرار کرد بلکه باید به صورت فعال، و یا حتی بیش فعال و پیش‌گام از ظرفیت‌های موجود در این محیط جدید، بهره‌گیریم و این نیاز به مشارکت اعضای هیئت علمی در سیاست‌سازی‌ها و برنامه‌های آموزش عالی دارد. البته در

حال حاضر این هوشمندی در آموزش عالی ایران وجود دارد و دانشمندانی هستند که می‌توانند ضمن استفاده از تمام ظرفیت‌های سیستم، برای حل مشکلات این محیط جدید، به عنوان مثال با ارایه راهکار آموزش تلفیقی، مشکلات را برطرف کنند و این محیط جدید یادگیری الکترونیکی را به عنوان تهدید در نظر نگیرند.

پوشش ۲: از آنجا که بخش اعظم یادگیری از طریق تعامل چهره به چهره، و منش علمی استاد، انجام خواهد شد، و شور و نشاط علمی استاد می‌تواند دانشجو را متأثر کند و انگیزه دهنده باشد، جایگاه این تعامل، را توضیح دهید.

آیا با توجه به ویژگی‌های چهره به چهره، صرفاً محیط مجازی به یادگیری دانش، تقلیل پیدا نمی‌کند؟

دکتر بازرگان: تجربه موفق مؤسسه مهر البرز، نشان داده است یادگیری الکترونیکی از طریق ترکیبی می‌تواند امکان عدم حضور فیزیکی استاد را نه تنها جبران بلکه یادگیری را به بالاترین سطح خود رساند. اگر مدرس ویژگی‌های مطرح شده فوق را داشته باشد و طرح درس را با همان ویژگی‌ها اجرا کند، هیچ کمبودی در کیفیت یادگیری نخواهد داشت. طبق مطالعه OECD، علم و هنر یادگیری از طریق فناوری اطلاعات و کلاس‌های تلفیقی، بسیار مؤثر بوده و برای درک بیشتر به مطالعه فصل نوزدهم کتاب Higher Education: Where do we stand پیشنهاد می‌شود.

پوشش ۳: این نکته که مطرح شد شکل و ارایه مهم تر از محتوا شده را توضیح دهید؟ نقش دگرگون شدن را توضیح دهید: علم به چه تغییر می‌کند؟

دکتر فراستخواه: این مطلب را در سطح تحلیل مطرح کردیم و قضاوت و ارزش‌گذاری ما، می‌تواند متفاوت باشد. آن امری که اتفاق می‌افتد این است که شما همانی هستید که دیده می‌شوید. رسانه مهم می‌شود، ارایه مهم می‌شود چون نقش اشیا بیشتر شده است. دنیا از دوتایی شکل و محتوا دارد عبور می‌کند. در حقیقت شکل و محتوا در هم آمیخته و محتوا، شکل شده است. در فضای سنتی می‌شد یک معلم بود و به تنهایی کار خود را انجام داد اما اکنون بدون گرافیس، بدون متخصص رایانه، و ... و بدون متخصصانی که به عنوان تیمی در درس معلم حضور مؤثر دارند، معلمی امکان‌پذیر نیست. ارزیابی در یادگیری الکترونیکی، ارزیابی معلم نیست بلکه ارزیابی یک تیم است و باید به دقت بررسی شود که مشکل در کدام قسمت این شبکه‌ای است که برای تدریس فراهم آمده است. معلم، تسهیل‌گر می‌شود تا اینکه بخواهد بسته دانش را انتقال دهد.

پوشش ۴: یکی از دلایل عدم مشارکت استادان در یادگیری الکترونیکی این نکته است که زمان و انرژی بیشتری از آنها می‌گیرد. چه راهکاری در این مورد ارایه می‌دهید؟

دکتر فراستخواه: اتفاقاً یادگیری الکترونیکی زمان را کوتاه می‌کند و در می‌نوردد به شرط یک سری بایسته‌های اولیه. مثلاً اینکه زیرساخت‌های نرم را نداریم. بدون حمایت‌ها، بستر و زمینه‌های لازم، نمی‌توان در زمان معقول و منطقی کار را انجام داد.

پوشش ۵: در آموزش الکترونیکی، برای نقش معلم، معادل‌هایی مانند tutor, facilitator, monitor, instructor و coach است که همه در محیط یادگیری معنی پیدا می‌کنند. نقش معلم در این بستر یادگیری الکترونیکی چگونه می‌شود و وقتی سطوح استاد و یادگیرنده برابر می‌شوند، نقش استاد چیست؟

دکتر فراستخواه: نقش معلم متحول می‌شود و به صورت یک تصویر افقی می‌شود. باید به نوعی متوجه بود که معلم قدرت صاحب‌نظری را دارد اما در قالب یک شبکه و به عنوان یک مشارکت‌کننده و سهیم‌شونده در جریان یادگیری و

یاددهی. معلّم دیگر دانای مطلق نیست. تدریس خصوصیت گفتگویی و تعامل پیدا کرده و بدون فضای تعامل و گفتگو، نمی تواند موفق باشد.

پوشش ۶: چه توصیه‌ای برای مدرسان دارید که یادگیری رخ دهد؟

دکتر بازرگان: هدف یادگیری الکترونیکی، یادگیری است اما متأسفانه نه تنها در ایران بلکه در سطح بین‌المللی نیز، تصور شده است قسمت الکترونیکی یا فناوری اولویت دارد بر تمام یادگیری الکترونیکی. در صورتی که اگر ابزارها، بر فرایند یادگیری مسلط شود اصلاً انتظار نداشته باشیم یادگیری الکترونیکی در حال و آینده، جایگاه خود را پیدا کند. پس بدانیم راهکار این است که مدرس یادگیری الکترونیکی تمام خصوصیات را که ذکر کردیم داشته باشد و حداقل شرط ورود یک فرد به عنوان مدرس یادگیری الکترونیکی این است که دانش‌بر باشد به اضافه اینکه خودش را وقف یادگیری کند. طبعاً خسته می‌شود باید از کمک دستیار توانمند استفاده کند در غیر این صورت سطح یادگیری افت خواهد داشت. نکته دیگر اینکه معلم یادگیری الکترونیکی باید خود را دانای مطلق قلمداد نکند و از دانش تک تک دانشجویان حاضر در کلاس یادگیری الکترونیکی استفاده کند.

پوشش ۷: آیا ساختار نظام آموزشی و فرهنگ استادان، و دانشجویان موجب نمی‌شود که سرمشق و الگوی ابزاری حاکم شود؟

دکتر فراستخواه: در بهترین حالت باید به این امکانات به چشم ابزار نگاه کرد. در مطالعات انجام شده در گونه‌شناسی استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش عالی، کشورها را به چند دسته تقسیم کردیم از کشورهای بسیار پیش‌رو تا کشورهای پس افتاده.

متأسفانه ما از نظر بسیاری از شاخص‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات (مثلاً سرعت بارگذاری، بارگیری و...)، از بسیاری از تحولات دنیای پیش‌رو، «پس افتاده ایم» و در آخر لیست هستیم و در این راستا باید تدابیر نگرشی و ساختاری و مهندسی مجدد لازم اندیشیده شود.

پوشش ۸: آیا نمی‌توان به این ضعف‌های یادگیری الکترونیکی و مشکلات زیرساختی که داریم به‌جای تهدید به‌صورت فرصت نگاه کرد؟

دکتر فراستخواه: بله، کاملاً درست است. اما به این منظور همان‌گونه که مطرح شد، بررسی‌های لازم باید صورت گیرد.

میزگرد در ساعت ۲۰:۲۰ به پایان رسید.